

۳۴

ارگان نشراتی بنیاد فرهنگی جهانداران غوری
سال سوم، شماره سی و چهارم، ماه سرطان ۱۳۹۵

شهرستان

تاریخی، فرهنگی، علمی، ادبی و هنری

عید رمضان
عید ضیافت خدا
برهمگان مبارک





تنتنبانیه

تاریخی ، فرهنگی ، ادبی و هنری

سال سوم ، شماره سی و چهارم ، ماه سرطان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمدعابد حیدری

استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری

صفحه آرای: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: بنیاد فرهنگی جهانداران غوری، حوزہ غرب، شہر ہرات، گردہ پارک ترقی، سالون فانوس

دریا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.

بدون از سر مقاله، نوشته ما و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریہ شنساینہ در این خصوص مسؤلیتی ندارد.

در این شماره

۱. آغاز سخن
۲. پیام رهبری بنیاد
۳. موسس دولت غوری ها
۴. فواید روزه
۵. میر حسین سادات غوری
۶. عشق و مولانا
۷. حرف دل
۸. ادبیات و نقش آن
۹. انواع ارتباطات
۱۰. زیره
۱۱. صفحه کودک
۱۲. مدیریت

آغاز سخن

عید آمد و برشادی روزه داران فزود

ماه رمضان با فیوضات معنوی اش رخت خویش را از جامعه انسانی برچید، آنانیکه مدت معینه را شب درقیام و روز رابا صیام گذرانیدند روز های عید را درمهمانی ذات احدیت که وعده پاداش از اول گرفته بودند سپری می کنند، عید هادرائین مقدس اسلام از فلسفه ی بزرگی برخورداراست و علیه خرافات پرستی، موهوم خواهی و حرکات خلاف سنت های انسانی عروج نموده است.

عید سبب می شود تا کدورت ها، کینه توزی ها، عقده مندی ها و ستیزه جویی رفع، فضای برادری، دوستی، همدلی وصله ی رحم بین انسانها بخصوص مسلمانان بوجود آید و از آنچه سبب دوری و انزجار میگرددد جلوگیری گردد، عید باردیگر انسانهارا به تجدید پیمان بین یکدیگر فرامیخواند و از چند دستگی و اختلاف درامور منع می سازد.

رفت و آمد هادروز های عید نشان میدهد که دیگر عقده های نفرت از هم گسیخته وجایش را به مرهم گذاری و تسلی قلوب همدیگرواگذارنموده است، دراین ایام حتا آنانیکه درآتش جنگ گیرمانده اند، از جایگاه عدالت الهی بریکدیگرسلام میدهند و روزهای مقدس عید را مبارک باد می گویند.

پس چقدر زیباست تا تمام نفرت ها و کدورت ها رابه صفا و صمیمیت واگذارنموده برسم گرامیداشت از روز های عید که درحقیقت روز جمع آوری حاصلات یکماه روزه و عبادات خاصی بدرگاه بی نیاز است سپری نموده واز حال مستمندان، درد مندان، بی نوایان و اشخاصی که رنجیده اند بازجویی و عبادت خداوندی را به کمال رسانیم و آزمون بزرگ خداوندی را طوری که خداوند(ج) پسندیده به حد نهایی آن برسانیم.

عید سعید
 بر تمام مومنین مبارک باد



پیام رهبری بنیاد فرهنگی جهانداران غوری بمناسبت فرارسیدن عید سعید رمضان

خدای را سپاس که بما توفیق عنایت فرمود تا در حادترین زمانی که شدت گرمی جان هرزیروح را غرق عرق می ساخت و تشنگی بدن همه انسانها، بخصوص مسلمانان رابه خشکی می کشانید، اما لطف پروردگار چنان متانت، استواری صبور و مقاومت را بما عنایت فرمود که ماه مبارک رمضان را بوجود شادمانی مصروف عبادت درگاه بی نیازش بودیم همانطوریکه وعده سپرده بود، هرشب و روز مهمان چنان میزبانی بودیم که تشنگی و گرسنگی هیچ اثری بر روزه ی ما نداشت و بفضل و رحمت ایزدی ماه ضیافت الله(ج) را با موفقیت بسر رسانیدیم.

برادران مسلمان؛ خداوند(ج) ما را در آزمون بندگی قرار داده و همواره از ما میخواهد تا در مقابل این امتحان ایزدی استوار بوده و سرطاعت بدرگاه رحمتش فرود آورده و برطبق حکم آیه مبارکه: « ترجمه ما انسان و جنیات را برای عبادت آفریدیم» عبادت خداوندی را بدون درنگ اجرا نمائیم، چنانکه دیده شد، ندای الله اکبر از هر مسجد و منبر طنین انداز بوم و برکشور ما بود و همه مسلمانان ماباشهامت و شجاعت تمام روزه و نماز های پنجگانه را در جماعات بوحدت و یکدلی ادا نمودند.

حال که عید سعید فطر از راه می رسد، آزمایش دیگری نیز سر راه اغنیا و ثروتمندان قرار دارد و برماست تا طبق توان خویش دست فقرا و مستمندان را نیز گرفته از آنچه برای ما روزی داده است به ایشان هم انفاق نمائیم و برهستی و مال و منال که در اختیار ماست دیگران را بهره مند سازیم و درک نمائیم که خداوند بزرگ در مقابل هر نیکی و صدقه ی چندین پاداش را بما عنایت می نماید.

بنیاد فرهنگی جهانداران غوری خجسته عید سعید رمضان را به تمام مردم شریف، مسلمان و با دیانت افغانستان و کافه مسلمانان جهان تبریک و تهنیت عرض نموده، روز های سرشار از مسرت، عشق همدلی، دیانت، برادری و صلح مستدام از حضرت حق به شما مسئلت می نماید.

عیدتان مبارک؛

مؤسس دولت مستقل غوری ها کی بود؟

مقاله تحقیقی

استاد شاه محمود محمود

غورلشکر بسیار مستعد گردانید، و روی به غزنی نهاد (وبهرام شاه را به شکست) و غزنین را بگرفت و بهرام شاه از پیش او منهزم شد و سلطان سوری به تخت غزنین بنشست و ممالک غور را به برادر خود سلطان بهاؤ الدین که پدر سلطان غیاث الدین و معزالدین بود بسپرد (۵۴۳ هـ ق - ۱۱۴۸ م) (۲)

با مطالعه نکات فوق اسم سلطان و سلطنت بر سیف الدین غوری خود نشاندهنده ی آنست که موصوف خود را همطرز سلاطین غزنوی دانسته و با آنها برابری نموده است .

۱ - به نظر من یکی از بهترین دلیل استقلال یک دولت؛ همطرز بودن با دولت های مستقل دیگر به خصوص همسایگان است .

۲ - دلیل دوم اینکه سیف الدین سوری با سقوط دولت غزنوی؛ غوری ها؛ دیگر باج و خراج به غزنویان مقروض نبوده و مانند اسلاف خویش باجگزار نمی باشند.

۳ - سومین دلیل اینکه بر گفتار ما صحت میگذارد که : وسعت و پهنای اسم سلطان بر سیف الدین سوری گذاشته شده و یا خودش بر خود اطلاق نموده است همان سهمگیری برادرانش در ولایات مختلف غور است که تماماً از طرف سیف الدین سوری عنایت میگردد چنانچه در طبقات ناصری میخوانیم : چون ملک عزالدین حسین که پدر سلاطین غور (ابوالسلاطین) بود درگذشت سلطان سوری بجای او بر تخت نشست، و ولایت بامیان میان برادران قسمت کرد ... ولایت ورساد بملک الجبال [قطب الدین محمد بن عزالدین حسین] داد و دارالملک ملک الجبال آنجا بود سلطان سوری [سیف الدین سوری] شهر و حصار استیه را دارالملک خود ساخت و ملک ناصرالدین محمود را مادین داد و بهاءالدین سام را خطئه سنگه که دارالملک مندیش بود معین شد و قلعه وجیرسلطان علاوالدین حسین داد و ملک فخرالدین را غالب ظن آنست که ولایت کشی معین گشت ... (۳)

مقدمه :

دولت مستقل غوری ها که تهداب امپراطوری بزرگی را همراه داشت بین سالهای (۵۴۳ - ۶۱۲ هـ ش = ۱۱۴۸ - ۱۲۱۵ م) نشاندهنده عظمت و آزادی کشورمان است. این امپراطوری در حقیقت در زادگاه خویش در میان قله های سر به فلک غور پایه گذاری گردید با وجودیکه به نسبت مناطق دست نارس و صعب العبور قرنهای متوالی با استقلال محلی، زمامداران را در خویش پرورده است که با القاب امیر و ملک و سلطان قبایل مختلفی را تحت یک لوآ و فرمان خویش درآورده بودند .

ولایت غور که سرزمینی وسیعی مناطق مرکزی و حدوداً تا غرب افغانستان امروزی را احتوا مینمود، در قرن ۱۱ میلادی تحت حاکمیت غزنویان قرار گرفت. اما غزنویان از اینکه نمیتوانستند مستقیماً سلطه خویش را در این ولایت حفظ نمایند مجبور شدند تا از امرای محلی غور؛ چون ابوعلی پسر محمد سوری و امیر محمد بن عباس و ملک عزالدین حسین به حیث دست نشانده خویش استفاده بردند.

بنابراین سلطه یک قرنه غزنویان بر غور با فرود و فرازی همراه بوده اما نتوانستند این ولایت کوهستانی را مستقیماً ضمیمه امپراطوری خویش نمایند. اما خواستگاه اساسی غزنویان از غور تهیه سلاح و افراد جنگی بوده است روی این منظور تا قیام سیف الدین غوری و تصرف غزنه ؛ ولایت غور با جگزار غزنویان و ندرتاً سلجوقیان باقی ماند.

استقلال و تاسیس دولت غوری:

امراً و ملکان غوری با کنج دار و مرزبانی غزنویان؛ در تلاش بودند تا سلطه غزنویان را از شانه های خویش دور نموده و نماد موجودیت نمایند. در مورد اینکه این استقلال را کدام سلطان و یا امیر اساس گذاشت اختلاف نظر وجود دارد

من زمانیکه کتاب غوریان را نوشتم به نقل از مرحوم غبار سلطان علاو الدین حسین غوری را مؤسس حساسی دولت مستقل غوریان ذکر نمودم اما با در نظر داشت مؤلف طبقات ناصری که سیف الدین سوری اولین کسی است که او را سلطان خطاب نمود و ضمناً او است که سلطه غزنوی را ولو بسیار کوتاه بود برانداخت و خود را سلطان سیف الدین نامید بنابراین به نظر این حقیر موصوف بنیانگذار دولت مستقل غوری بوده است در این جا با دلایل فوق دولت مستقل ۶۷ ساله غوری را میتوان با سلطان سیف الدین سوری آغاز نمود، منهای سراج جوزجانی این موضوع را چنین می نگارد : اولین کسیکه از این خاندان اسم سلطنت گرفت سلطان سوری بود. (۱)

سلطان در لغت نامه ها معنی میدهد : ملک (منتهی الارب)، والی (آندراج) (غیاث)، پادشاه والی (ناظم الاطباء). فرمان ده. (مهدب الاسماء). همچنان سلطان عنوانی است با معانی تاریخی مختلف، ریشه آن از لغت سلطه در عربی به معنای قدرت و فرمانروایی گرفته شده است. بعدها این عنوان به فرمانروایانی اطلاق می شد که دارای قدرت کامل (اینکه زیر حکم فرمانروایی دیگر نیستند) در زمان خویش بوده اند.

در حالیکه امارت و ملوکیت در بین غوریان نشانه زمامداری و قدرت نمایی بود بنا برای اولین بار با افزونی قدرت و آزادی بیشتر سلطان سیف الدین سوری از لقب (سلطان) استفاده برد. و جوزجانی با بینش و فراست دقیق این مرزبندی ها را میان امیر و ملک و سلطان به خوبی تصویر کرده است.

سلطان سیف الدین سوری، پادشاه بزرگ بود، واز شجاعت و جلالت و مروت و عدل و احسان و منظر بهی و فرشمی نصیبی داشت واول کسی که ازین دودمان بروی اسم سلطان اطلاق کردند؛ او بود... چون خبر حادثه برادر بزرگ او ملک الجبال بدورسانیدند، روی به انتقام سلطان بهرام شاه آورد و از ممالک



فواید روزه گرفتن از دیدگاه‌های مختلف

محمد نادر "انوش"



بزرگان و اطباء مسلمان و حتی غیرمسلمان هم درمزیت های طبی روزه کتابها نوشته و مقالات فراوانی را به چاپ رسانده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ دارویی برای بهبود مزاج انسان بهتر از روزه گرفتن نیست. چنانچه پیامبر(ص) فرمود: معده خانه هر دردی است و بسیاری از مریضی ها ناشی از پُرخوری می‌باشد و پرهیز کردن و کم‌خوردن سرآمد هر دارویی خواهد بود.

روزه‌داری در اصل یک استراحت کلی برای بدن و همانند خانه‌تکانی و پاکسازی و نظافت کل سیستمهای بدن انسان است. همانطور که قلب انسان لحظه‌ای کار می‌کند و لحظه‌ای استراحت بدن انسان هم بعد از ۱۱ ماه کار مداوم، نیاز به یک استراحت یک ماهه دارد.

امروزه علم طب ثابت کرده است که در رژیم غذایی روزه‌داری، چربیهای اضافه‌بدن تحلیل می‌رود، چاقی بی‌رویه و مضر کاهش می‌یابد، فشار روی مفاصل کمر و اندامهای تحتانی کم و دستگاههای قلبی و عروقی و هضمی تنظیم و تعدیل می‌شوند دستگاه دفاعی بدن نیز به حالت آماده باش درمی‌آید، تقویت و تنظیم می‌شود.

یکی از دستاوردهای مهم علم پزشکی نشان می‌دهد که با روزه‌داری، موادی در بدن به وجود می‌آیند که خیلی بیشتر از حد معمول است و این مواد نقش عمده‌ای در پیشگیری از عفونتهای میکروبی و ویروسی و از بین بردن حشرات سرطانی دارند.

روزه می‌تواند چربی های اضافی بدن که در نقاط مختلف ذخیره شده اند را سوزانده و به بدن فرصت

- ۱- فشار خون زیاد
- ۲- تصلب شرایین که تازه آغاز شده
- ۳- گرفتگی مجاری خون و لنف
- ۴- آنژین قلبی
- ۵- سرطان خون
- ۶- امراض عصبی
- ۷- اختلالات دستگاه متابولیسم (چاقی، نقرس، ورم مفاصل، رماتیسم)
- ۸- امراض کبد (جگر)
- ۹- ورم کیسه صفرا
- ۱۰- امراض معده و روده
- ۱۱- ورم لوزه مزمن
- ۱۲- زکامهای حلق و بینی
- ۱۳- ناراحتی های گرده و مثنه
- ۱۴- امراض زنان (تورم لگن خاصره، اختلالات قاعدگی، نازایی، یائسگی)
- ۱۵- آگزما
- ۱۶- دمل
- ۱۷- کورک و کهیر
- ۱۸- امراض چشمی مثل آب سبز
- ۱۹- سر درد مزمن
- ۲۰- افسردگی
- ۲۱- ضعف جنسی
- ۲۲- هیجان شدید
- ۲۳- وسواس
- ۲۴- نورالژی، مخصوصاً میگرن
- ۲۶- سرطان قبل از آشکار شدن.

جدیدی بدهد تا چربی های تازه تری را جایگزین نماید. اما نکته ای که در ماه رمضان حائز اهمیت است، شیوه تغذیه ای روزه داران است زیرا اگر روزه داران تغذیه مناسبی نداشته باشند دچار ضعف جسمی شده که این ضعف می تواند بر فعالیت های روزانه آنها تاثیر سوء داشته باشد.

پروفسور «الکسی سوفورین» می گوید: «جسم به هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده می کند و آنها را مصرف می کند و مواد کثیف و عفونی که در جسم هست و ریشه و خمیره بیماری است، از بین می رود و بدین طریق روزه سبب بهبودی همه بیماری ها است. از این رو جسم خود را به وسیله روزه از داخل نظیف و پاکیزه می کند.»

بنابراین روزه داری باعث هضم چربی های ذخیره در بدن، دفع سموم فلزی و غیر فلزی وارده از محیط اطراف، ایجاد اعتدال بیولوژیکی و کیمیایی بدن و ... می گردد. به قول یکی از دانشمندان روم باستان: «اولین بیماری، مربوط به پرخوری بود و نخستین درمان نیز روزه گیری است.»
دکتر جان فرموزان در باره فواید روزه داری چنین می گوید:

در آغاز روزه داری، زبان باردار است، عرق بدن زیاد می شود، دهان بو می گیرد، گاه آب بینی را می افتد و همه، علامت شستشوی کامل بدن است. پس از سه، چهار روز، بو برطرف می شود اسیدایوریک ادرار کاسته می شود و شخص احساس سبکی و خوشی خارق العاده ای می کند و در این حال اعضا هم استراحتی دارند.

روزه برای مریضی های زیر خیلی مفید است و توصیه می گردد:

پرترین جهاد، روزه گرفتن در هوای گرم است.



میرحسینی سادات غوری

سید محمد رفیق نادم

سوالاتی را که میرحسینی طرح نموده درحقیقت کسی با تعمق نگاه کند، در ژرفنای واقعیت ها غوطه ورمیگردد، اما شبستری قبل از اینکه به اصل سوالها جواب دهد از وصول آن ها درقید تاریخ چنین می گوید:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| گذشت هفت وده از هفتصد سال | ز هجرت ناگهان درماه شوال |
| رسولی باهزاران لطف واحسان | رسید از خدمت اهل خراسان |
| بزرگی کاندران جا هست مشهور | به اتمام هنر چون چشمه ای نور |
| همه خراسان از که و مه | دراین عصر از همه گفتند او به |
| نوشته نامه ی درباب معنی | فرستاده برآرم باب معنی |

قابل ذکر است که علامه اقبال لاهوری یازده سوال میرحسینی را جواب داده، چون اصل موضوع معرفی میرحسینی سادات غوری است، لذا از بیان جوابات هردو صرف نظر شد.

۸- مثنوی زادالمسافرین

ادعاست که این مثنوی زادالمسافرین رامیرحسین سادات درروزگار پیری انشأ نموده وازهرکلمه و جمله ی آن عرفان تصوف شیفتگی، بیخودی و کرامت انسانی موج میزند، دراینجادوشعرآنها به بیان میگیریم:

اول

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| حرفی که بگوش ماومن گفت | باتو به زبان تو سخن گفت |
| اسم و صفتی که میکنند یاد | زانجا که توئی ترا نشان داد |
| درآئینه حسن او نظر کرد | عشق آمدوجمله را خبر کرد |
| هریک به اشارتی دویدن | کردند بیان چنانکه دیدند |
| دردیدن شان شکی نباشد | لیکن همه چیز یکی نباشد |
| چون دیده دانش آمد احول | این مشکل ما نمی شود حل |
| آن دیده که اودوی نه بیند | جزوحدت معنوی نبیند |

دراین ابیات کلمه «الله ج» را تفسیر می کند، به زیبایی و شرینی تمام، پرشور وجذاب:

دوم

| | |
|---------------------------|-------------------------|
| اول الف آمد این درست است | زیراکه یگانگی نخست است |
| لام ازازل است ووصف آن ذات | دوری تو ازین حدیث هیهات |
| هادایره ایست ماسوی الله | یعنی سراپای این کهن گاه |
| اول همه اوست واجب الذات | بیرون ز تصور و خیالات |
| آنجا همه وحدت است مطلق | تحقیق حقیقت است الحق |
| هان ای سراپا برهنه درراه | این است بیان حرف الله |

میر حسین به پیروان خویش و کسیکه طی مراحل مقامات میکند، توصیه آن چنین است؛ (بیان عشق و ذوق پرواز کن بهتر آنست تا خود را به رکاب رهبری رسانی، قبل از مرگ بمیری، اوصاف زیهمه را از خود دورسازی آنگاه که از خود بیرون و از خود جدا گردیدی نیست میگردی)

چونیستی تو شد محقق آید همه نعرهء انالحد

در جای دیگری می گوید: هستی تو از درون و بیرون حجاب تست، آنگاه که ازین چار دیوار برای یقین بر تو منکشف شود آنوقت چشم دلت باز گردد و ارواح مقدسان درنگری و از بند ناسوت و ارهی، آن زمان شهباز آشیانه لاهوت گردی.

این راه اگر تریاقین است معراج مسافران چنین است

میر حسین عشق را به بادیه می نماید و می گوید، این بادیه را باید ببال عشق پیمود و درینجا باید روی کشش و جذبہ ی خاص حرکت کرد تا مطلوب رادریابی، آنگاه که عشق چراغ افروزد، پر جبرئیل از شراران سوزد و عشق را چنین تعریف می کند:

| | |
|---------------------------|--------------------------|
| بشنو ای پسر حقیقت عشق | با خویشتن است نسبت عشق |
| با خویشتن است جمله رازش | برخویش کند همیشه رازش |
| باخویش شتود همه خطابش | خود گوید و خود دهد جوابش |
| معشوق خود است و عاشق خویش | در عشق نرفت ازین سخن بیش |

۹- روح الارواح

استاد دانشمند مایل هروی چنین می نویسد: « این آثار گرانبهای میرحسینی شرح اسمای الله است که از نگاه و مزاق عرفا نگاشته شده قصه ها و حکایت های هم در خلال هر شرح آورده است، یک نسخه ی آن مربوط به موزیم کابل است، احتمال قوی می رود، در هیچ کشوری یافت نشود.»

روح الارواح (۴۳۵) صفحه دارد، خطاط آن این نسخه را، به این عبارت خاتمه داده است؛ « قد وقع الفراغ من کتابت هذا الكتاب فی سابع عشر من جمادی الاول سنه ثمان..... به خط عبدا لضعیف الفقیر.... الراجی الی رحمت الله تعالی حبیب بن حسن بن حسین بن محمد بن احمد بن محمد بن اعطا)

کتاب روح الارواح بعد از بسم الله الرحمن الرحیم این طور آغاز گردیده: افتتاح کرده شد شرح اسمای خداوند (ج) به فارسی برای انتفاع مسلمانان والله الموفق.

میرحسین سادات (۹۹) اسمای ذاتی و صفاتی خداوند را از لحاظ معنی و محتوا شرح داده است. مثلاً؛ الله را الله: آنست که الهیت اوراست و الهیت قدرت و آفریدن است و پدید آوردن برای ایجاد و اختراع، انشأ و ابداع قدرتش را فتور، نه؛ و قوتش را تصورنه؛ اگر خواهد در هر لحظه هزار هزار چون خلیل و حبیب برگزیند، فعلش به آلت و علت نیست.

زیرنویسها

۱. استاد مایل هروی؛ شرح حال و آثار میرحسینی غوری. ص (۶۰) چاپ ۱۳۴۴ مطبعه دولتی کابل
۲. استاد مایل هروی ----- ایضاً (۵۷)
۳. استاد مایل هروی ----- ایضاً (۸۶-۸۱)

عشق و تأثیر آن بر مولانا



مدیریت ماهنامه

عشق از مسایل بنیادین عرفا و تصوف اسلامی است، چندانکه بدون در نظر گرفتن آن عرفان و حکمت متعالیه قابل فهم نیست، البته عشق از مقولاتی است که تعریفش بذات نامی‌سراسر است و کنهش در غایت خفا و پوشیدگی است، شاید تمثیل فیل در تاریکی بهترین و رساترین تمثیل برای اختفای حقیقت عشق باشد. «آن یکی دالش لقب داد، این الف».

مورد احساس عشق طرف دیگر است؛ دلبر یا دلربا می‌گویند. واژه عشق در ادبیات فارسی به ویژه ادبیات غنایی، پایگاه و اهمیتی ویژه و والا دارد و بسیاری از شاعران پارسی، درباره عشق و عاشقی، وصف معشوق و سختی‌های عاشقی، اشعاری با ارزش ادبی والا دارند. همچنین گاهی اوقات این کلمه درباره عشق انسان به خدا نیز آمده است که در مقوله عرفان و مذهب می‌گنجد.

حکمت گل پیچک و یا تمثیل این گیاه حالت عشق است که بر هر دلی عارض شود احوال طبعی او را محو می‌کند، حکیمان، فیلسوفان و طبیبان و روانشناسان در ماهیت عشق اختلاف کرده اند.

افلاطون می‌گوید: «عشق واسطه انسانها و خدایان است و فاصله آنها را پرمی‌کند» و اخوان الصفا آرا مختلف اندیشوران را پیرامون عشق در رسایل خود آورده اند که علاقمندان می‌توانند بدان رجوع کنند. (رسایل اخوان الصفا جلد ۳ رساله ششم ص ۲۶۹ به بعد)

عشق از عشقه گرفته شده و آن گیاهی است به نام لبلاب، چون بر درختی پیچد آن را بخشکاند، در اصطلاح «پیچک یا گل پیچک». عشق صوری درخت جسم صاحبش را، خشک و زرد رو می‌کند، اما عشق معنوی بیخ درخت هستی اعتباری عاشق را خشک سازد و او را از خود بمیراند، عشق در لغت افراط در دوست داشتن و محبت تام معنی کرده‌اند.

در زمانه های نه چندان دور کلمه عشق را عربی و یا عبری می‌گفتند و بر آن باب یا مصدری تعیین نموده بودند، اما حکیم فردوسی نیز که برای پاس‌داری از زبان فارسی از به کار بردن واژه‌های عربی آگاهانه و هوشمندانه خودداری می‌کند ولی واژه عشق را به آسانی و بانگیزه به کار می‌برد و با آن که آزادی سرایش به او توانایی می‌دهد که واژه دیگری را جای‌گزین عشق کند، واژه حُب را به کار نمی‌برد.

در زبان فارسی به کسی که دارای احساس عشق نسبت به کسی دیگر است، دل‌داده و به کسی که

و اسالیب شعری شاعران «خون چو می جوشد منش
از شعر رنگی میدهم»

عشق تعریف شدنی نیست

از آن رو که عشق، یافتنی است، نه بافتنی، (ممایدرک ولا
یوصف) است، نمی توان آنرا به کمنند الفاظ درکشید.
سلطان العلما (بهالدین ولد) در کتاب معارف به کسی
از اودرباره عشق سوال کرده بود گفت: اگر آنرا یافته ی
چه بگویم؟! واگر نیافته ی چه بگویم!؟

هر چه گویم عشق را شرح و بیان

چون به عشق آیم، خجل باشم از آن

هر چه تفسیر زبان روشن گراست

لیک، عشق بی زبان، روشن تراست

چون قلم اندر نوشتن می شتافت

چون به عشق آمد، قلم بر خود شکافت

عقل، در شرحش چو خردر گل بخت

شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت

شرح عشق ارمن بگویم بردوام

صد قیامت بگذرد، و آن ناتمام

زانکه تاریخ قیامت را حداست

حد کجا آنجا که وصف ایزداست

درنگند عشق، درگفت و شنید

عشق، دریایی است قعرش ناپدید

قطره های بحر را نتوان شمرد

هفت دریا پیش آن بحراست خرد

ادامه دارد.....

حافظ به عشق چنان پیچیده شده و آنرا چگونه
انعکاس میدهد:

راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست

آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست

هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

ما را ز منع عقل مترسان و می بیار

کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست

از چشم خود بپرس که ما را که می کشد

جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست

او را به چشم پاک توان دید چون هلال

هر دیده جای جلوه آن ماه پاره نیست

فرصت شمر طریقه رندی که این نشان

چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست

نگرفت در تو گریه حافظ به هیچ رو

حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

اما عشق یکی از بنیادی ترین مبانی مکتب عرفانی
مولاناست، و حتا بهتر است گفته شود که عشق کلید رمز
احوال و افکار مولاناست مثنوی او با عشق آغاز می شود
و به عشق پایان می یابد، هر چند که پایان مثنوی را
پایانی نیست، همچنانکه آغازی آنرا نیز آغازی نیست
«همچو فکر عاشقان بی پاور» و اصولاً همین عشق
بود که مولانارا بسوی شعروشاعری انگیخت.

چنانکه در تذکره ها و ترجمه ها آمده است که
او (مولانا) شعر را در آستانه ی چهل سالگی آغاز کرد
آن هم به سبب تغیر روانی و استحاله شخصیتی
که از برخوردش با شمس حاصل آمد «شیخ مفتی
زعشق شاعر شد»، اما شیوه اودر سرایش اشعار، بداهت
بود نه رویت، بدین معنا که اشعار از اود فعاً برمی
جوشید و در قالب الفاظ و واژگان می نشست، نه به تصنع

زیرنویسها

دفتر اول مثنوی معنوی؛ ابیات ۱۱۲-۱۱۵

دفتر پنجم؛ مثنوی معنوی ۲۱۸۹ ابیات - ۲۱۹۰

دفتر پنجم؛ مثنوی معنوی ۲۷۳۱ ابیات - ۲۷۳۲

کریم زمانی؛ شرح موضوعی مثنوی معنوی ص ۴۳۳

برای تومادر

غلام علی فگار زاده

تو حرف من تو لفظ من

سرود های رزم من

تو واژه های شعر من

ترانه های بزم من

بهر زمان بهر مکان، تو قصد من تو عزم من

تو لاله بهار من

نسیم خوشگوار من

گل سفیده گل گلاب

تو عطر سبزه زار من

بهر زمان بهر مکان بهار من بهار من

تو خواب من، تو راحت من

تو قبله ارادت من

آمید و آرزوی من تو باغ پر طراوت من

بهر زمان بهر مکان فرشته ی سعادت من

زپامیر غزلهایت

ضیا گل سلطانی

فراهم کن به باغ سبز پیچک های گیسویی
نفس های که پیچد عطر خود را لای هر مویی
مگر امشب به چشمه دختر مهتاب می شویدی
تن خود را خیال انگیز بادریای آمویی
صدای نغمه می خیزد زپامیر غزلهایت
خدارا یک نفس بگذار ما را با غزل گویی
طنین طور پیچیده به کوه از نای چوپانت
به موسی گو مرو آنجا بیا با من سر کویی
کسی میخواند امشب کوه بابا را چه غم انگیز
مگر بشنیده از نای دلش آهنگ یا هوئی
نیت کرده ادا کن سجده را امشب نمی خواند
کسی جز تو، نماز عشق را در تاق ابرویی
اگر آمد بهاران باغ بالارا بیار ایید
به آهنگ گل افشانی، پیچک های گیسویی





خدا نا ابد خدای همه ست

بـکار و بچین، بچین و ببخش
زمین خـدا، برای همه ست
ببین و نترس، نترس و بـگو
خدا تا ابد، خـدای همه ست

عید
نپس ساقس

مبارک باشه عیدت جان عاشق
بهشت و کعبه و ایمان عاشق
بگو دنیای من! آخر که تاکی
بود در راه تو چشمان عاشق

ادبیات و نقش آن در زندگی



مدیریت ماهنامه

۲. درک معنای عناصر مذکور و کشف روابط معنایی موجود میان آن‌ها که در نهایت به درک پیام جمله و متن منجر می‌شود.

خواندن مهارتی است که به وسیله آن می‌توان از مطالب نوشتنی کسب اطلاع کرد، به شکل کامل ترمی توان گفت؛ خواندن فرایند فعالی است که خواننده، از طریق آن به پیامی که درون نوشته موجود است پی می‌برد و خواننده مرتباً بر اساس آنچه قبلاً یاد گرفته در پی کشف چیزهای تازه است، سواد خواندن یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که فراگیران (دانش آموز) در طول یادگیری‌های خود در ساله‌های اولیه مکاتب کشف می‌کنند و در رشد هر کودک نقش حیاتی دارد این توانایی اساس یادگیری را در موضوعات دیگر نیز فراهم می‌سازد، همچنین این توانایی می‌تواند برای خلاقیت و رشد فردی و اجتماعی به کار رود، خواندن از جمله وسایل مهم فهمیدن دنیای کنونی است فرد می‌تواند نتیجه تحقیقات و مطالعات دیگران را که مدت‌ها به درازا کشیده است از طریق خواندن در مدت کوتاهی فراگیرد، خوب خواندن از عوامل مهم پیشرفت و سرگرمی و لذت بردن و رفع خستگی می‌باشد.

هدف اصلی نوشتن، ارسال پیام؛ و هدف اصلی خواندن دریافت آن پیام است، حوزه یا ساحه‌ی پژوهشی به نام مطالعات خوانایی به بررسی احتمال موفقیت خواننده در خواندن و درک نوشته‌ها می‌پردازد و موضوع خوانایی را از ابعاد مختلف بررسی می‌کند.

برای کسب مهارت در نگارش چه باید کرد؟

برای آموزش نگارش، دستورالعمل خاص و روشنی مانند؛ فرمول ریاضی، فزیک و کیمیا وجود ندارد، باوجود این توجه به دو عامل زیرمی‌تواند بیش از هر چیز برای کسب مهارت در نگارش مفید و راه‌گشا باشد.

۱- خواندن

یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل کسب مهارت در نوشتن، خواندن است، موقتی نوشته‌ی را می‌خوانیم، علاوه بر آنکه از محتوا و مفهوم آن بهره‌مند می‌شویم، نا خود آگاه و یا آگاهانه، نکاتی از حیث نگارش از آن می‌آموزیم و بدین ترتیب با خواندن نوشته‌های مختلف انشای ما روان تر و خامه‌ی ما توانا تر می‌شود و درست نوشتن و خوب نوشتن برای همه عادت و ملکه ذهنی می‌گردد.

خواندن، فرایند شناختی از رمزگشایی نمادهایی نوشتاری فکر یا گفتار در استنتاج معانی از متن است. (همان‌طور که در خواندن یک کتاب یا خواندن موسیقی)، حصول توانایی در این زمینه مستلزم کسب مهارت‌های زیر است:

۱. بازشناسی حروف، کلمه‌ها و جمله‌های زبان در یک نوشته.

پیش، دهقانان مصری که مؤظف بودند مقداری از محصولات کشاورزی خود را به‌عنوان مالیات به فرعون بدهند، تصویر سبد را به تعدادی که پرداخت کرده‌بودند بر دیوارهای خانه خود حک می‌کردند.

به بیانی دیگر، نوشتن یا نگارش نوعی رسانه مجازی برای انتقال اطلاعات است که با آن می‌توان مفاهیم و اندیشه‌ها را بیان و صورت‌بندی کرد، و یا آنها را پرورش و اشاعه داد.

نوشتن همچنین عملی است که به کمک آن می‌توان اطلاعات و اندیشه‌ها را تحلیل بررسی و بازبینی کرد، نگارش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای استدلال و استنتاج و ابهام زدایی به‌کار رود.

برای نویسندگی بهتر و خوب نویسنده باید زیاد نوشت، اینکه مختص درباره طبیعت باشد، کتابی را خواهی دوباره نوشت، مباحث اخلاق اجتماعی، سیاسی فلسفی، علمی، پژوهشی، صنعتی هنری تاریخی، فرهنگی، دینی، روانی عشقی، عاطفی و ادبی و غیره باید نوشت.

یک عمر می‌توان سخن از زلف یارگفت
در بند آن مباش که مضمون نمانده است

بحث ادامه دارد.....

بدیهی است که در این راه، ارزش و اثر همه نوشته‌ها یکسان نیست، مثلاً وقتی که قطعه زیبایی از یک نویسنده چیره دست، یا یک داستان دلاویز از داستان پردازی سحرآفرین رامیخوانیم، بیشتر تحت تأثیر جنبه ادبی نوشته قرار می‌گیریم تا وقتی که اخبار و شرح حوادث را در روزنامه‌ها مطالعه می‌کنیم.

کسب مهارت در نوشتن از طریق مطالعه، گرچه با برنامه درازمدت امکان پذیر است و با گذشت زمان صورت می‌گیرد، ولی درست‌ترین و سودبخش‌ترین راه هاست زیرا همان طور که گفته شد هم ما را به گنجینه‌ی دانش و هنر آشنا می‌سازد هم در کار نوشتن یعنی بیان کتبی خواسته‌ها و اندیشه‌ها و نیازهای خویش توانایی می‌بخشد.

۲- نوشتن

نویسندگی مانند بسیاری از هنر ها و صنعت هاست، هیچ نوازنده یا نقاش، یا میخانیک موتربا خواندن کتابهای که در این راستانگارش یافته، نوازنده، نقاش و میخانیک نشده است، کارنگارش و نویسندگی نیز چنین است تنها با خواندن کتابهای «آئین نگارش» و «آداب نویسندگی» امکان نویسندگی برای کسی میسر نیست و ازین رو باید حداقل امکان هر روز و هر شب مرتب نوشت و از انتقاد دیگران نهراسید.

نوشتن یا نگارش عملی است که بشر به وسیله آن اندیشه‌هایش را به تصویر می‌کشد، با اختراع نوشتن گام بزرگی در تمدن بشری برداشته شده، نظر به تعریف فوق، نوشتن دو کارکرد اصلی دارد:

۱- ثبت اطلاعات

۲- نشر اطلاعات

کارکرد عمده سخن‌گفتن، نشر اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران است؛ اما دلیل ابتدایی نوشتن، ترس انسان از فراموشی و نیاز به ثبت وقایع و دانسته‌ها بوده‌است، حدوداً ۶۰۰۰ سال

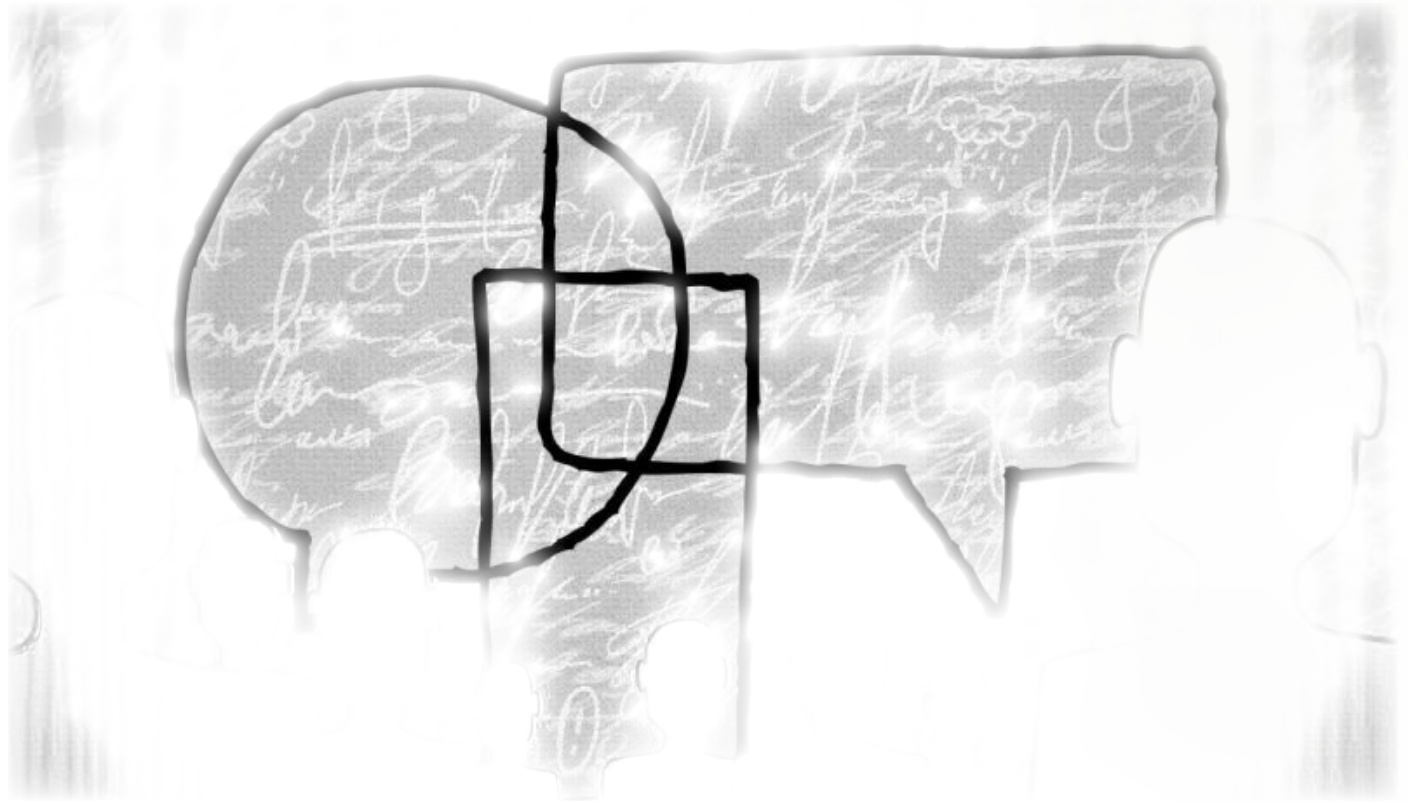
زیرنویسها

۱. دینانی، محمدحسین. سنجش خوانایی نوشته‌های فارسی: خوانانویسی برای کودکان، نوسادان و نوجوانان. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۷۹.
۲. عابدی، یوسف. «خوانندگی‌های ناخوانا [Unreadable Reading Materials]». کتاب ماه کلیات ۱۷، ش. ۴ (فروردین ۱۳۹۳): ۳۷-۳۳.
۳. محمد عالم عالمی؛ زبان و ادبیات دری. ص ۱۲۳





انواع ارتباطات



ارتباط احساس برانگیز

فرآیند ارتباطی است که از طریق سخن یا نمادهای گوناگون برقرار می‌شود، بدون آنکه معنای دقیقی (محتوی) انتقال یافته باشد. در جریان این فرآیند ارتباطی، صرفاً حالات احساس گونه منتقل می‌شوند و همبستگی اجتماعی و آمادگی روانی مشترک پدید می‌آوردند. این مفهوم در آغاز توسط مالینوسکی (Malinowski)، به کار رفت.

او در علت کاربرد این مفهوم می‌نویسد: در جوامع ابتدائی، زبان به‌عنوان یک پیوند در فعالیت‌های انسانی سنجیده شده و جزئی از رفتار انسانی شناخته می‌شود. زبان در چنین جوامعی شیوه عمل و نه یک ابزار تفکر است، بی‌شبهه، در این مورد با نوع خاصی از زبان و کاربرد آن مواجهیم که من می‌خواهم با وسوسه در اختراع لغت بدین نام (ارتباط احساس برانگیز) بخوانم و آن نوعی ارتباط است که در آن پیوندهای

وحدت صرفاً با مبادله کلمات پدید می‌آیند. آیا در این نوع ارتباط، کلمات در مرتبه اول به جهت انتقال معنی، معنایی که از نظر نمادین از آن آنان است، به کار رفته‌اند؟ مسلماً خیر.

آنان کارکردی اجتماعی برعهده دارند که هدف، تحقق مطلوب آن است. لیکن، آنان (کلمات) نه ناشی از تفکر عقلانی هستند و نه آنکه در مخاطب تفکر بر می‌انگیزند. بار دیگر باید بگویم زبان، در اینجا (جوامع ابتدائی) به‌عنوان وسیله‌ای در انتقال اندیشه (آنچنان که ما بدان می‌نگریم) به کار نمی‌آید.

امروزه این نوع ارتباط را ارتباطی می‌دانند که در آن نمادها موجبات انتقال آمادگی‌های روانی را فراهم می‌سازند و همبستگی به بار می‌آورند. به‌نظر هاکت (C.F.Hockett) قسمت اعظم ارتباطاتی که از طریق هنر و مخصوصاً موسیقی برقرار می‌شوند، از این نوع هستند. برید

(W.Breed)، نیز ارتباط احساس برانگیز را در ارتباطات جمعی (نظیر انبوه‌های خلق) سراغ می‌گیرد.

ارتباط معطوف به هدف

این نوع ارتباط است که در آن برقرار کننده ی ارتباط دارای هدفی خاصی از پیش تعیین شده و برخوردار از یک پلان قبلاً تدوین شده و همه جانبه است. در این ارتباط هدف مشخص است که شخص ارتباط گیرنده چه می‌خواهد؟ از کی می‌خواهد؟ و در کجا به هدفش نایل می‌آید؟

افراد موفق معمولاً «به سرعت تصمیم می‌گیرند و وقتی انجام کاری را درست بدانند به آسانی از تصمیم خود برنمی‌گردند برعکس اشخاص شکست خورده معمولاً» دیر تصمیم می‌گیرند و تصمیم خود را به آسانی عوض می‌کنند. به محض گرفتن تصمیم نیروی درونی شما آماده انجام آن می‌شود. بیشتر افراد تصمیم نمی‌گیرند

زیرا ترس آنها دارند که تصمیم شان غلط باشد.

اگر بعدها متوجه شدید که تصمیم تان غلط بوده است. نباید خود را سرزنش، کرد بلکه باید گفت در آنروز، بهترین تصمیمی که به مغزم خطور کرد همان بود. با این روش، روح را آماده می کنیم که بتواند تصمیم گیری خود را حفظ کند. اگر یک بار تصمیم تان درست نباشد و خود را مرتباً «سرزنش کنید، نباید انتظار تصمیم گیری درست را داشته باشید. تنها چیزی که حد توانایی های شما را مشخص می کند، همین است که بتوانید با دقت، خواسته خود را تعریف کنید بسیاری از چیزها در اطراف شما قرار دارند که می توانند شما را در راه رسیدن به هدف کمک کنند، ولی چون آنها برای ذهن به خوبی تعریف نکرده اید از کنار آنها رد می شوید بدون آنکه متوجه شوید.

اگر هدف ساختن میزی را داشته باشیم، چنانچه در مسیر خود میخ - اره - چکش - تخته بینیم بزودی متوجه شده و آنها را به کمک می گیریم، زیرا برای ذهن تعریف کرده ایم که برای ساختن میز به چه چیزهایی نیاز داریم. در نظر داشته باشید که ضمیر باطن ما با ضمیر باطن دیگر افراد در رابطه است اگر با شخصی در حال صحبت هستید ضمیر باطن شما تصویر هدف شما را به ضمیر او انتقال داده و همینطور برعکس، ضمیر باطن شما می تواند افکار طرف، متقابل را بخواند. بنابراین جای تعجب نیست، اگر چنانچه شخصی که با او صحبت می کنید یکباره یکی از وسایلی را که برای رسیدن به هدف نیاز دارید، بر زبان بیاورد. بعنوان مثال بگویید چکش و اره دارد.

اگر بدانید که چرا، باید کاری را انجام دهید، چگونگی انجام آن به آسانی معلوم خواهد شد. بخاطر داشته باشید که اگر دائماً «راجع به چیزی فکر کنید و افکار خود را روی آن متمرکز سازید به سوی آن نیز حرکت می کنید. بنابراین همواره به آرزوهایتان فکر کنید، تا به سوی آن کشیده شوید. چیزهایی را که باعث رنج و یا مایه لذت می دانیم، سرنوشت ما را شکل میدهد. اگر لذت تحقق هدف، بیشتر از رنج رسیدن به آن باشد مسلماً» به هدف خواهیم رسید.

اگر هدفی داشته باشیم که رسیدن به آن، هم مایه رنج باشد و هم مایه لذت، مسلماً» یا به آن نمی رسیم و یا اینکه زمان زیادی برای رسیدن به آن نیاز داریم. زیرا ناخودآگاه، آنها به تعویق می اندازیم.

گاهی اوقات انسان بر سر دو راهیایی قرار می گیرد که هر دو به رنج منتهی می شوند، به عنوان مثال بعضی ها، از شغل خود ناراضی هستند، و فکر می کنند اگر شغل خود را ترک کنند نمی توانند کار دیگری پیدا کنند، در نتیجه هیچ کاری

منبع :

داکتر باقر ساروخانی؛ جامعه شناسی از تباطات، بخش اول ص ۳۱

نمی کنند و همچنان احساس بدبختی می کنند.

ارتباط بازتاب دهنده و یا عکس العملی

در برابر ارتباطات پلانی یا برنامه ای، یا معطوف به هدف، در این نوع ارتباط، هدفی از پیش تعیین شده وجود ندارد، فرد یا افراد یک باره بدون هیچ آگاهی در جریان ارتباط قرار میگیرند.

ارتباطات مؤثر

داشتن ارتباطات مؤثر در سازمان یکی از اجزای مهم در راه دستیابی به توفیق در مدیریت است. اگر ارتباطات درست و منطقی در سازمان برقرار نباشد، اداره امور مختل می شود. ارتباطات عبارت است از انتقال و تبادل اطلاعات، معانی و مفاهیم بین افراد. به عبارت دیگر، ارتباطات جریانی است که ضمن آن افراد می کوشند تا مفاهیم و مقاصد خود را به یکدیگر انتقال دهند.

در فرایند ارتباطات، فرستنده، مفهوم ذهنی خویش را که به صورت فکر و اندیشه است، در یک قالب عینی به صورت پیام های قابل انتقال درمی آورد که آن را «به رمز درآوردن» (Encod-ing) می گویند. گیرنده پیام پس از دریافت آن، پیام عینی را به مفهوم ذهنی تبدیل می کند، یعنی به تعبیر و تفسیر معنی پیام دریافت آن، پیام عینی را به مفهوم ذهنی تبدیل می کند، یعنی به تعبیر و تفسیر معنی پیام دریافت شده، می پردازد. این حالت را «از رمز خارج کردن» (Decoding) می نامند.

نقابی است هر سطر من زین کتیب

فروهشسته بر عارضی دلفریب

معانی است در زیر حرف سیاه

چو در پرده معشوق و در میغ ماه

در اوقات سعی نگنجد ملال

که دارد پس پرده چندین جمال (۰۳-۸۲۲۲)

هر قدر که مفهوم ایجاد شده در ذهن گیرنده با مفهوم ذهنی فرستنده شباهت بیشتری داشته باشد، آن ارتباط مؤثرتر است. سعدی این موضوع یعنی «به رمز درآوردن» و «از رمز خارج کردن» را مد نظر داشته است.

ادامه دارد....

زیره

مدیریت ماهنامه



متر به رنگ زرد مایل به قهوه ای بسیار معطر، بوی آن نشیر بوی مرغوب وزود نشر است، غذای که به زیره معطر شده باشد فضای خانه را دگرگون می نماید.

این گیاه در مناطق مختلف آسیا می روید و نظریه معلومات بعضی منابع، ایران، افغانستان و صفحات شمال چترال پاکستان نیز به عنوان رویشگاه این گیاه ذکر شده ولی تاکنون گزارشی از گیاه شناسان درباره تایید وجود و شناسایی این گیاه در ایران دیده نشده است.

زیره یکی از گیاه های خدادادی در وطن ما بوده که بصورت طبعی در کوهستانها میروید، در این اواخر که تریاک برای هموطنان ما بخصوص ولایات جنوب و جنوب غرب به یک معضل سیاسی، نظامی و اقتصادی تبدیل شده است، یکی از بدیل های زرع تریاک را زیره تشکیل داده است.

طریقه کشت زیره:

کشت به طریق ردیف یا قطار سبب تلفات کمتر بذر میگردد به این معنا، وقتیکه میخواهیم زیره را کشت نمائیم بهتر است ازدانه های زیره مانند گندم للمی بصورت تنک و یا دوارز همدیگر کشت گردد، زیرا هرچند دانه های زیره از هم دور باشد بهمان پیمانته هایش بزرگتر، قوی ترودارای شاخه های بیشتر میگردد. این نبات بارزش را دردموقع سال می کارند، یکی کشت بهاری و دیگری کشت تیرماهی (خزانی) است، محصولات کشت خزانی بیشتر بوده، زیرا تخم وقتیکه به زیر زمین نوده و یا جوانه میزندیک ریشه گلوله مانند بخود تشکیل میدهدکه این ریشه سبب ذخیره آب و مواد معدنی میگرددو درصورت مساعد شدن وضع جوی نباتی با قدرت بیشتر به رشد و نمو می پردازد.

به اساس راهنمایی های مؤسسات کمک رسان و مبارزه علیه مواد مخدردرهرهکتارزمین از ۸ الی ۱۲کیلو زیره رامی پاشندودرپاشیدن زیره باید وقت نمودزیرا این بذرسنگین ودرشت نمی باشدکه به مسافت دورتری پاشیده شود، بنابراین مراقبت بیشتری لازم داردوآنها نباید بیشتر از دو الی سه سانتی متر زیرخاک کرد، بعد ذریعه ماله سبک روی آنها پوشاند.

همانطوریکه گفته شد، زیره یک نبات کوهی بوده ودرمدت های نه چندان دورشامل نباتات آبی گردید، و می توان آنها به زیره سیاه کوهی و زیره سبز (کرابیه) نامگذاری کرد، زیره سیاه که بصورت طبعی درکوه ها، میان سنگلاخها میروید از ارزش خاص طببی برخورداراست، ولی کرابیه که هم للمی و هم آبی

زیره یکی ازنباتات مفید و در بعضی حالات طببی است که دروطن ما بخصوص ولایت غور باستان بوفرت درکھسار شامخ آن بصورت طبعی میروید، زیره نبات فصلی بوده در اوایل بهارمیروید و تا ماه سرطان دانه هایش پخته شده و از طرف مردم بصورت خاصی چیده شده وبعد از خشکیدن میده و دانه ها از غلوفه جدا و برای فروش به بازار آماده می شود.

دانه های زیره نه تنها طعم دهنده خوبی برای غذا محسوب می شوند بلکه دارای فواید بسیار مفیدی برای بدن نیز هستند این دانه ها سرشار از آهن بوده و مصرف آن برای مبتلایان به کم خونی و نیز مادران باردار و شیرده توصیه می شود چرا که بدن این گروه از افراد نسبت به دیگران به آهن بیشتری نیاز دارد، از طرفی دیگر، مصرف زیره کمک خوبی برای هاضمه است و از ایجاد سوءهاضمه، نفخ، اسهال و حالت تهوع پیشگیری می کند، دانه های زیره ضد عفونی کننده های قوی هستند و برای درمان سرماخوردگی های معمولی مفید هستند زیره از سرفه پیشگیری کرده و برای سیستم تنفسی بدن نیز مفید است. این دانه از آن جا که طبع گرمی دارد از تجمع مخاط در مجاری تنفسی جلوگیری می کند.

برای مقابله با علائم سرماخوردگی می توانید معجون دانه زیره با آب تهیه کرده و آن را جرعه جرعه بنوشید، برای آماده کردن این معجون کافی است یک مشت دانه زیره در آب در حال جوش بریزید و مدتی آن را بجوشانید. نوشیدن این مایع باعث درمان سرماخوردگی و رفع مشکلات هضمی میگردد می شود دانه زیره همچنین موجب تحریک ترشح آنزیمهایی در غده پانکراس (لوزالمعده) می شود که به نوبه خود به جذب ریزمغذی ها کمک می کند، علاوه بر اینها، دانه زیره قدرت جگر را در سم زدایی از بدن افزایش داده و کارآیی این عضو حیاتی را بهبود می بخشد.

تجربه دیگر اینکه مقداری زیره کوبیده شده را به آب جوش انداخته بخارات آنرا استنشاق نمایند، سرما خوردگی و بندش بینی را آنأ برطرف می نمایدو اشتها را تحریک می سازد.

● مشخصات

گیاهی است چند ساله علفی دارای ساقه ضخیم به قطر ۲-۳ سانتی متر، استوانه ای به بلندی تا ۲ متر است. برگهای آن ضخیم، گوشتی دارای چند برگچه به رنگ سبز تیره و براق می باشد. گل های آن کوچک سفیدویا زرد رنگ به صورت چتر مرکب است، میوه آن تخم مرغی به طول کمتر از یک سانتی



کشت می شود، کیفیت طعم، بو و مواد لازمه ی منرالی را ندارد.

ازین رو زیره سیاه کوهی در معطر نمودن غذاهای بکار برده می شود، بخصوص در پلو قابلی و کچری طعم و لذت غذا را دوچندان می سازد. اما در قسمت نام های علمی زیره؛ به فرانسوی *Lkevistique officinale* به انگلیسی *Lovage* گفته می شود. گیاهی است از خانواده *Umberlliferae* نام علمی آن *Le-visticum* و مترادف آن *Ligusticum le-visticum L* میباشد.

ترکیبات کیمیایی

از نظر ترکیبات کیمیایی در ریشه این گیاه رزین، اسانس و انواعی از قندها *Malic acid* وجود دارد، در میوه و دانه این گیاه اسانسی با ترکیب کیمیایی مانند اسانس ریشه یافت می شود، در طب سنتی ریشه و تخم آن مورد استفاده است.

خواص و کاربرد

درباره خواص آن در کتب طب سنتی قدیم چنین آمده است که از نظر طبیعت خیلی گرم و خشک است و خوردن آن موجب باز شدن گرفتگی های جگر و ضد نفخ است. برای سرفه سرد و تنگی نفس مفید است، مقوی معده می باشد و کمک به هضم غذا میکند و ترشح ادرار را زیاد کرده و مدر و قاعده آور است و خوردن آن برای رفع اثر سموم سرد و گزش جانوران سمی مفید است.

مالیدن آن به موضع در استعمال خارجی برای فلج و سیاتیک و سایر بیماریهای سرد نافع است و چون مدر است در مورد استسقا نیز مفید است، مقدار خوراک آن در دم کرده یا جوشانده ۲۰-۱۵ گرم ریشه گیاه در هزار گرم آب است که به عنوان مدر و قاعده آور خورده می شود و اگر ۱۵ گرم تخم آن را در ۴۰۰ گرم آب دم کرده و بعد از هر غذا بخورند بادشکن است.

در استعمال خارج بدن به عنوان ضد درد به صورت کمپرس از جوشانده ۵۰ گرم ریشه در هزار گرم آب استفاده می شود این گیاه برای اشخاص گرم مزاج مضر است و این قبیل اشخاص می توانند از خیسانده ریشه در سرکه استفاده کنند و با اینکه پس از خوردن دارو کمی سرکه روی آن بیاشامند. به علاوه برای مثنانه مضر است و در این قبیل موارد باید با رازیانه و تخم خیار خورده و قدرت دارویی بی ریشه حداکثر تا ۳ سال می ماند. در اروپا این گیاه را به علوفه دامهای شیری اضافه می کنند، عطر خوبی به شیر می دهد.

موقع برداشت زیره

موقع درو زیره وقتی است که دانه های آن رنگ قهوه ای بخود گرفته باشد، البته فرق نمیکند چه زیره زرع شده باشد و یا یا خودروی کوهی، توجه گردد که گلهای سفید و یا قسماً زرد گونه ی آن خشک شده و در حال ریختن باشد، برای چیدن زیره از دو طریق کار میگیرند، یکی با داس است که

هنوز ساقه های زیره خشک نشده و حتا دانه هایش مایل به سبزی باشد، در این حالت استفاده کننده گان زیره می توانند آنرا باداس درو نموده و در جای مناسب جمع نمایند.

طریقه دیگر در حالیکه زیره کاملاً قهوه ای یا خرمایی شده باشد بهتر است بادست بته هایش چیده شود که در این حال بعضی اوقات همان ریشه گلوله مانندش نیز از زمین کشیده می شود، که در سال بعد دوباره نمی روید (این پروسه به زیره های کوهی مصداق دارد) البته در درو زیره های آبی و زرع شده تفاوتی ندارد.

کسانیکه زیره سیاه را در بدل مواد مخدر کشت نموده انداز هر هکتار زمین بیشتر از ۳۰۰۰ کیلوگرم محصول گرفته اند که این محصول تعلق میگیرد به وضعیت زمین طریقه آبیاری، استعمال کود های مختلف کیمیای و حیوانی.

زیره موارد استفاده زیادی دارد که در وطن ما به مواد غذایی استفاده میگردد در کشور های اروپایی از آن عرقیات، مشروبات و حتا برای حیوانات جهت تغیر ذایقه شیر و محصولات لبنی استفاده میگردد.

منبع

۱- آقای داود طراح؛ رسانه کشت حبوبات سبزیجات و باغداری ص ۶۹

۲- تجارب و داشته های هموطنان غوری



... مؤسس دولت مستقل

غوری ها کی بود؟

اوصاف متضاد نهفته داشت او تحصیل کرده و تاریخ ادب دری و عربی آموخته و در ادب دری شاعر ورزیده بود (۱۰)

واقعیت دارد که موصوف توانست انتقام خون برادران را بگیرد و غزنه را به تصرف خویش درآورد. و کماکان نزد خود نگهداشت:

و یکی از سپه سالار خود به نام امیرخان را با پنج هزار سپاهی برای سرکوبی شورشیان به جا گذاشت. او با مداخله خواجه امام قدوه الاولیا شمس العارفین ابوالمؤید؛ سلطان علاوالدین مردم غزنه را بخشید و در امان باقی ماندند (۱۱) اما به نقل از طبقات ناصری و دیگر منابع موجود او به زودی اسیر سلطان سنجر سلجوقی شده و مدت یکسال زندانی و یا مصاحب او باقی ماند. (۵۴۷ هـ ق = ۱۱۵۲ م) در این میان نه تنها فیروز کوه؛ بلکه غزنه مجدداً از دست غوریان بدر رفت احتمالاً بهرامشاه و یا فرزندش خسروملک حاکمیت غزنه را بدست آورد. علاوالدین بعد از خلاصی از حبس؛ دوباره با مال و مواشی به فیروزکوه برگشت. (۱۲) و دولت غوری را استمرار بخشید.

قابل یادآوری است که بوسورث مؤرخ برجسته انگلیس که تحقیقات دامنه داری در مورد غزنویان و غوریان دارد پایه گذاران این مملکت عظیم را دربردار می‌داند: یکی غیاث الدین و دیگری معزالدین محمد. غیاث الدین بیشتر در مغرب و معزالدین در هند به لشکرکشی مشغول بود. (۱۳) یقیناً دلیل عمده موصوف امپراطوری بزرگ غوری ها است که فارس، ماوراءالنهر و هند و سند را به تصرف آوردند و مجبور نبودند که برای دولتی باج و خراج بدهند.

در اختتام از دانشمندان و استادان که نظریات شان را قویاً تقدیر میکنم با ذکر اسناد و دلایل اندیشه های خویش را درمورد بنگارند چون دروازه تحقیق همیشه باز بوده و گفتارهرهموطن دراین راستا ما را به حقیقت نزدیک مینماید.

غوری را سیف الدین محمد سوری می‌داند: در اواخر قرن دهم [دوازدهم؟] پیشوای قبیله آل شنسب بنیاد گذار سلاله غوریان سوری؛ سیف الدین بن عزالدین حسین یک گروه ازقبایل را بخود تابع ساخته نیرومند گردید. (۷)

همچنان در تاریخ غوریان موسس حقیقی دولت غوری؛ سیف الدین سوری ذکر گردیده است و برای تایید سخن خویش از جوزجانی استمداد جسته و گفتار طبقات ناصری را درمورد مثال میدهد. واضافه میکند که سال ۵۴۳ هـ ق سال است که درآن سلطان سیف الدین سوری به سلطنت قیام نموده آغاز دوره سلاطین غوری محسوب میگردد. (۸)

نظریه های متضاد:

استانلی لین پول مؤرخ انگلیسی نظر جداگانه دارد که آخرین جانشینان محمد بن سوری که نامشان ذکر شده است، دو تن به اسامی قطب الدین حسن و پسرش عزالدین حسین بوده اند. این عزالدین حسین که در حوالی سال ۵۴۳ هـ ق = ۱۱۴۸ م درگذشت، مؤسس دولت غوریان محسوب می گردد. (۹)

عزالدین حسین، هفت پسر داشت که یکی از آنها به نام قطب الدین محمد معروف به «ملک الجبال» با تحریک پدر زنش بهرامشاه غزنوی به قتل رسید، و سیف الدین سوری برادر قطب الدین که والی غور بود به جهت انتقام خون برادرش در سال ۵۴۳ هجری غزنه را به تصرف درآورد. دلیل که استانلی لین پول؛ عزالدین را مؤسس این سلطنت میدانند. تکیه برکلام جوزجانی نموده که منتهاج سراج او را «ابوسلاطین» نامیده و با داشتن پسران زیاد صاحب نفوذ بیشتر بوده است اما فراموش کرده که موصوف هنوز هم باجگزار غزنویان بوده است.

مرحوم غبار در افغانستان در مسیرتاریخ؛ سلطان علاوالدین را مؤسس حسابی دولت غوری میدانند. او سیاست مدار و مرد عجیبی بود که در نهادش

سلطان سیف الدین سوری بعد از تصرف غزنی از طرف مردم آنجا استقبال گردید و بنابر بیان تاریخ غوریان؛ موصوف از جمادی اول سال ۵۴۳ تا محرم ۵۴۴ هـ ق (= ۱۱۴۸ - ۱۱۴۹ م) مدت تقریباً یازده ماه در غزنه سلطنت کرد. (۴)

از این تاریخ به بعد پیشوند سلطان بر زمامداران غوری حک میگردد. روی این منظور برخی مؤرخین بنیاد گذار سلاله غوری را سلطان سیف الدین سوری می پندارند. (۵۴۳ هـ ق = ۱۱۴۸ م)

متاسفانه اعتماد بیشتر سلطان سیف الدین غوری بر غزنویان سبب شد که مردم غزنی دوباره از بهرامشاه دعوت به عمل آورده و مجدداً بر تخت غزنه جلوس نماید و اولین سلطان غوری بعد از مقاومت شدیدی دستگیر و اعدام گردید. بنابرآن سلطان بهاؤالدین که مهتربرادران بود در فیروزکوه به سلطنت نشست و برای انتقام برادر راه غزنی را پیش گرفت اما در همان سال در گیلان غزنی بنابر مریضی وفات نمود. (۵۴۴ هـ ق = ۱۱۴۹ م) از بین رفتن سه برادر یا سه فرزندعزالدین حسین سوری یکی بعد دیگری؛ دولت نو بنیاد غوری را به تزلزل واداشت اما برادر چهارمی علاؤالدین حسین بن حسین حشم و لشکر غور بیاراست و راه غزنی پیش گرفت تا انتقام سلطان سیف الدین سوری و ملک الجبال قطب الدین از بهرامشاه بستانند. با مطالعه و خوانش طبقات ناصری دیده میشود که موصوف توانست غزنه را اشغال و آنچه بر قصور محمودی و مردم غزنه آمد تسکین درد های بود که اسلافش دیده بود. (۵)

مؤلف تاریخ فرشته نیز سیف الدین سوری را به اسم سلطان ستوده و می نگارد: سلطان سیف الدین، از آن دودمان، اولین کسی است که لفظ سلطان بر خود اطلاق کرد. (۶)

ضمناً استاد تاریخ پوهنتون دوشنبه تاجکستان قربان بابایف در مقاله خویش که در دایرة المعارف تاجک انتشار یافته است مؤسس دولت مستقل

زیرنویسها:

- ۱- جوزجانی - منتهاج سراج، طبقات ناصری، ج اول، تصحیح و تحشیه و تعلیق از عبدالحی حبیبی، کابل، ۱۳۲۶، ص ۳۲۶.
- ۲- جوزجانی، ایضا، ص ۲۹۳.
- ۳- جوزجانی، ایضا، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.
- ۴- پژواک - عتیق الله، غوریان، کابل، ۱۳۴۵، ص ۱۳۹.

۵- جوزجانی، اثر در بالا گفته شده، ص ۳۳۸.

۶- هندوشاه - محمد قاسم، تاریخ فرشته، ج اول، تصحیح و تعلیق داکتر محمد رضا نصیری، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸.

۷- بابایف - داکتر قربان، غوریان، دایرة المعارف تاجک، ج دوم، تاجکستان، ۱۹۸۰ م، ص ۲۰۷-۲۰۸. برگرزان به دری و جوانی از استاد شاه محمود محمود، افغانستان در دایرة المعارف تاجک، پوهنتون کابل، ۱۳۶۱ هـ ش، ص ۱۵۳.

۸- پژواک - عتیق الله، اثر در بالا گفته شده، ص ۱۳۳ - ۱۳۴.

۹- استانلی - لین پول، تاریخ دولتهای اسلامی و خاندان حکومتگر ج ۲، حوزه ۳ - ۵.

۱۳۸۵-

۱۰- غبار - میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل، ۱۳۴۶، ص ۱۳۰.

۱۱- فرخنده - محمد بن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعة، تصحیح احمد خوانساری، تهران، ۱۳۴۶، ص ۴۳۷-۴۴۲.

۱۲- جوزجانی، اثر در بالا گفته شده، ص ۳۳۸.

۱۳- بوسورث - کلیفورد ادموند، سلسله های اسلامی، ترجمه: فریدون پره ای، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۷۲.



محمد حسیب حزین یار

۲- تغییر نسبتاً پایدار

۳- تغییر نسبتاً پایدار در رفتار های انسانی

۴- تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بر اثر تجربه

بر اساس تعریف داده شده یادگیری به تغییر می انجامد، یعنی بعد از کسب تجربه یادگیری موجود زنده، از جمله انسان، از حالت قبل از کسب تجربه به یک حالت جدید تغییر می یابد، این یادگیری چه پیچیده باشد مانند یادگیری نحوه ی بایسکل سواری، یا راندن موتور و یا یاد گرفتن یک شماره تلفون، یا نام یک شخص، در هر حال یاد گیرنده پس از کسب مهارت یا اطلاع تازه در نحوه ی برخوردش با رویدادها درمقایسه با زمان پیش از یادگیری، تغییر می کند.

- یادگیری در زندگی انسان چه نقشی دارد ؟
- آیا یادگیری محدود به مدارس و آموزشگاهها است ؟

نقش یادگیری در همه صحنه های زندگی نمایان است، یادگیری تنها آموختن مهارتی خاص با مطالب درسی نیست؛ بلکه در رشد هیجانی رشد شخصیتی، تعامل اجتماعی انسان دخالت دارد، انسان یاد می گیرد که از چه چیزی بترسد، چه چیزی را دوست بدارد و کجا چگونه رفتار کند، در واقع نوزاد از همان لحظه تولد درگیر فرآیند یادگیری می شود و این توانایی است که باعث پیشرفت و تفاوت روزانه او تفاوت انسانهای یک نسل از انسانهای نسل قبل از خودشان می شود.

فرآیند یادگیری با توجه به اهمیتش همیشه مورد توجه بوده و در این مورد دانشمندان بسیاری اظهار نظر، پژوهش و نظریه پردازی کرده و جواب بسیاری از سوالات را روشن کرده اند، بطوری که می توان با صراحت و اطمینان در مورد اینکه «یادگیری چیست ؟ ، چگونه رخ می دهد و عوامل موثر کدام هستند ؟ » بحث کرد.

ادامه دارد....

در شماره های قبلی از آموزش و پرورش معلومات مختصری برای خواننده گرامی بخصوص کودکانی که تازه به مکتب رفته و الی صنف هشتم ونهم سعود نموده اند، ارائه داشتیم، در این شماره لازم دیده شد تا در قسمت یادگیری و یاد گرفتن آنچه را آموزش می بینند، یا از دیگران چیزهای را تقلید می کنند، بصورت خیلی فشرده به بحث می گذاریم.

همان طوریکه در مطالب قبل گفته شد، هدف آموزش آسان کردن یادگیری است که به لسان انگلیسی آنرا Learning می گویند، یادگیری را می توان از راه های گوناگون تعریف کرد: کسب اطلاعات و اندیشه های تازه، عادت های مختلف، مهارت های متنوع و راه های گوناگون حل کردن مسایل، به همین قسم یادگیری را می توان بصورت کسب اعمال پسندیده، یا حتی کسب رفتار و اعمال ناپسند نیز تعریف کرد.

پس یادگیری یا فراگرفتن ساحه بسیار گسترده ای را در برمیگیرد، «یادگیری یکی از مهم ترین زمینه ها در روانشناسی امروز در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است» ۱

به سبب اهمیت و پیچیدگی مفهوم یادگیری، از آن تعریف های مختلفی بدست داده اند، با این حال، معروف ترین تعریف برای یادگیری عبارت است از: « یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار، یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می شود و نمی توان آنرا به حالت های مؤقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا دواها پدید می آید، نسبت داد، این تعریف را کیمبل در سال (۱۹۶۱) بیان نموده است.»

در یک تعریف دیگر؛ «یادگیری تغییری است که در توانایی انسان بوجود می آید و برای مدتی باقی می ماند و نمی توان آنرا به سادگی به فرآیند رشد و نمونسبت داد.» ۲

خصوصیت های مهم از تعریف یادگیری را می توان قرار آتی آموخت :

۱- تغییر

زیر نویسها:

۱- هرنگان و آلسون؛ ترجمه سیف ۱۳۷۷ ص ۱۸

۲- گانه؛ ترجمه نجفی زند ۱۳۷۳ ص ۲۱



اطمینان در تصمیم‌گیری

مدیریت ماهنامه

انفجار مواد کیمیائی در یک کارخانه یا علل دیگر باشد. وقتی اطلاعات خبر به اندازه کافی در دست نیست، مدیران و یا کارمندان ارشد تلاش می‌کنند از پیش‌دآوری پرهیز و بیشتر بر کلیات تکیه کنند تا پس از روشن شدن زوایای خبر با مشکل مواجه نشوند. در بعضی از مواقع نیز مدیران تیزهوش و شجاع اقدام به ریسک می‌کنند که در صورت تحقق آن، مخاطبان به توانائی‌های بخش خبری اعتماد بیشتری می‌کنند و بخش خبری برای آنها جذابی بیشتری پیدا می‌کند. انتشار خبر با اهمیت و قابل توجه در سطح بین‌المللی برای اولین بار از جانب هر رسانه ای انجام گیرد، بیانگر اقتدار آن رسانه در اطلاع رسانی است.

اگر مدیرهوش و ذکاوت بالائی داشته باشد، تصمیم‌گیری در شرایط ریسک بهترین حالت ممکن برای پخش خبر است در غیر این صورت تصمیم‌گیری در شرایط ریسک رسانه را با معضل دشواری مواجه می‌کند.

حالت دیگری که در پخش خبر از قاعده ریسک پیروی می‌کند این است که مدیر نمی‌داند پخش یک خبر چه بازتابی در سطح جامعه ایجاد می‌کند و ممکن است مشکلات عظیمی را ایجاد و موجب نارضایتی شود. مدیر پخش خبر باید با جرئت و در عین حال با تدبیر و درایت باشد و اگر این ویژگی‌ها را نداشته باشد، خبرها کلیشه‌ای، تکراری و بخش خبری بی‌جاذبه می‌شود. مخاطبان معمولاً از مدیران جسور خوششان می‌آید.

درمقابل احتمالات ملموس و واقعی، احتمالات ذهنی و کیفی قرارداد، احتمالات ذهنی مبتنی بر عقاید ارزشهای شخصی است، این قضاوت‌ها در افراد مختلف، یکسان نیست، یک شخص به راحتی از چراغ سرخ ترافیکی عبور می‌کند، اما دیگری مقررات عبور و مرور را در هر وضعیتی ولو اینکه راه خلوت و هیچ گونه وسایط برای عبور موجود نباشد رعایت می‌کند.

ادامه دارد...

اطمینان وضعیتی است که فرد در برابر مشکل، کاملاً آگاهی دارد، راه حل‌های مختلف و نتایج هر کدام برایش معلوم است در شرایط مطمئن، فرد می‌تواند وقایع و نتایج کار را پیش بینی کند، حتی اگر نتواند آنها را کنترل کند، وقتی راه‌های مختلف و نتایج هر کدام قابل پیش‌بینی باشد تصمیم‌گیری آسان تر خواهد بود.

این نوع تصمیم‌گیری در محدوده‌ی مدیران خط اول یا در سطح سرپرستی قرار می‌گیرد، مثلاً؛ برای تولید بیشتر نوعی خاص از محصول نیاز خاص به اضافه کاری تعدادی از کارگران مربوط به آن نوع کالا است، در این نوع تصمیم‌گیری، ساعت اضافه کاری تعداد محصول مورد نیاز و هزینه‌ی آن مشخص است، بنا بر این تصمیم‌گیری در این مورد ساده است.

ریسک یا خطر در ساختن پلان یا برنامه

ریسک وضعیتی است که فرد می‌تواند مشکل را تعریف کند احتمال حوادث را مشخص نماید، راه‌های مختلف را شناسایی و احتمال هر راه را برای نتیجه مورد نظر بیان کند، ریسک یا خطر، معمولاً حدود وضعیت مطمئن و نا مطمئن است، میزان و کیفیت اطلاعات در دسترس فرد، درجه احتمال ریسک را مشخص می‌کند، احتمالات ملموس و واقعی، وقتی است که امکان اتفاق آن‌ها بر اساس اطلاعات کمی و وقایع ملموس باشد محاسباتی که در ادارات و سازمانهای بیمه در سطح جهان انجام می‌شود از این نوع است، زیرا بر اساس اطلاعات آماری دقیق و واقعی، به درستی می‌توانند پیش‌بینی کنند که چه تعداد تصادف، دزدی، فوتی و از بین رفتن می‌تواند اتفاق افتد و آنگاه بر اساس این حقایق تصمیم‌گیری می‌کنند و پلان دست داشته‌ی خود را به تصویب می‌رسانند.

همچنین در این روش زوایا و ابعاد خبر روشن نیست، ولی ارائه آن به مخاطبان ضروری است، مثل وقوع انفجار در یک کشور که صدای مهیبی ایجاد کرده است.

این حادثه ممکن است ناشی از عملیات خرابکاری یا ناشی از

و یوانگی گشایش دل‌بانی کنند
چون شدیم دیار تماشایی کنند

پر گل شده است دامن از خون دیدم
این مرغ دل‌گشا است که غوغای کند
خطبیه سوز

SHANSA BANEYA



Mobile: 0799237579
Email: hazinyar.gjcf@gmail.com